

آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۳ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۸

۲۰۸

دوماهنامه
آینه پژوهش

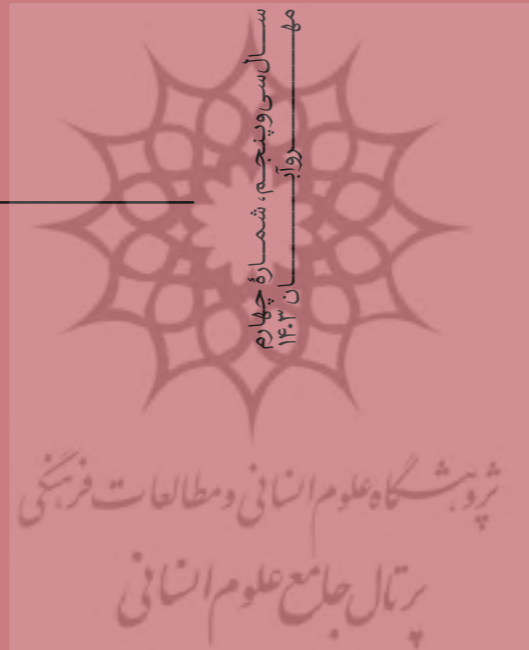
Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

208

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



«مُقْبِلِ آنِسْتِ كِه ...» (بازخوانی و تَصْحیحِ بیتی از مُفْرَدَاتِ سَعْدِی) |
گیبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ‌نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر
ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی
گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به
نشریات آن عصر (۱) | فارسیات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی
در منابع کهن | ناهیدن (اقتراح) درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در
شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات
(۱) | نوشتگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر
جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض،
حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست
کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری
و جعل دو کتاب انیس المؤمنین و کفایة البرایا | شرح و تصحیح کلیله و
دمنه در بوتۀ نقد | **نکته، حاشیه، یادداشت**

پیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک‌الکلام، کتابی چنددانشی از عصر میانی قاجار

جویناچه‌نیش | رسول جعفریان |
مجید حبیبی | مرتضی کریمی‌نیا |
سیدمحمدحسین میرفتوحی |
رفیقه قزاق‌نسا | احمد مهدوی
دامغانی | علی رحیمه |
فرد | علی رحیمه |
آیندلو | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |
امید حسینی‌نژاد | سجده
اریا طیبی | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |
زانی | تهران | علی رادا | حبیب
خداشاهی | سیدعلی کاشفی
عزیز | حیدر عیوضی | سیده
زاده | امیررضا میرزا |
انصاری | نیلوف بهرام‌زاده | معین
کاظمی | حبیب زانی | تهران



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

آینه‌های شکسته (۵)

نگاهی به ترجمه پنج جلد تورا اثر انجمن کلیمیان تهران

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی

| ۴۰۹ - ۴۱۹ |

۴۰۹

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳



چکیده: این شماره از «آینه‌های شکسته» به ترجمه اسفار خمسه که در انتشارات انجمن کلیمیان تهران توزیع می‌شود، اختصاص دارد. درآمد مقاله به ذکر چند نکته کلی در معرفی این اثر متمرکز است؛ در ادامه، بخش نخست به برخی ویژگی‌های این ترجمه می‌پردازد، سپس در بخش دوم و پایانی در پرتو قاموس‌های نوین تورات ملاحظاتی را برخواهیم شمرد.

کلیدواژه‌ها: پنج جلد تورا، ترجمه، انجمن کلیمیان، بنیامین گوهری.

Broken Mirrors (5)

A Review of the Translation of the Five Books of the Torah by the Tehran Jewish Society

Heidar Eyvazi

Abstract: This issue of *Broken Mirrors* is dedicated to the translation of the *Asfār-e Khamsa* (Five Books of the Torah) distributed by the *Anjoman-e Kalimian-e Tebran* (Tehran Jewish Society). The introduction focuses on a few general points about this work; the first section discusses some of the translation's features, followed by the second and final section, which presents observations based on modern Torah lexicons.

Keywords: Five Books of the Torah, translation, Tehran Jewish Society, Binyamin Gohari.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«نام نیک به از عطر نیکوست»
(طوو شیم، می شمین طوو؛ جامعه ۷:۱).

درآمد



ترجمه‌ای که در این شماره از آینه‌های شکسته معرفی می‌شود، اثری است که با عنوان پنج جلد تورا در انتشارات انجمن کلیمیان تهران در قطع رحلی منتشر می‌شود. این اثر به همت جناب بنیامین گوهری و پنج تن از همکاران ایشان، یعنی هاراب نیشان برخوردارزاده، هاراب یوسف کهن، هاراب العازار یحزقئیل کهن، هاراب رثوبن ل. و هاراب لوی حییم به انجام رسیده است.

متأسفانه این ترجمه فاقد مقدمه می‌باشد، و به جای آن در صفحه یادداشت این عبارت درج شده است:

«ترجمه این کتاب بر اساس کتابهای مفسرین بزرگ تورا انجام گرفته است، از جمله: اونقؤلوس، یوناتان بن عوزیئل، راشی، ابن عزرا، رامبان، ربنوی بحی، حیزقونی، بعل سُسفوت، بعل هطوریم، سفرنو، گور اریه، اُورح حییم هقأدش، کلی یاقار، عمق داوار و مشخ حخما».

در صفحه فهرست، اسامی کتابها و بخش‌های هر کدام (در اصطلاح فنی پاراشا) مطابق تلفظ عبری آنها ضبط شده است؛ بر این پایه به جای نام پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه، صورت عبری آنها را به ترتیب می‌خوانیم: برشیت، شموت، وییقرا، بمیدبار و دواریم. همینطور این نسخه، متضمن چندین پیوست است که در اعیاد، مناسبات مذهبی و هنگام نماز (تفیلا) خوانده می‌شوند.

در ادامه، در بخش نخست شماری از ویژگی‌های این اثر را برخواهیم شمرد، و بخش پایانی با عنوان «برخی ملاحظات» در ذیل سه محور به بررسی موردی چند عبارت در پرتو منابع نوین زبان‌شناسی اختصاص دارد.

۱. برخی ویژگی‌های ترجمه‌های انجمن کلیمیان

این اثر از جمله ترجمه‌های خوب تورات در فارسی به شمار می‌آید، و از جهات مختلف شایسته مطالعه است. و استفاده از آن در پژوهش‌های تطبیقی به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود. پنج ویژگی‌ای که در این بخش ملاحظه می‌شود، صرفاً یادداشت‌های اولیه نگارنده این سطور بوده که اکنون اندکی سامان یافته؛ به این جهت، بررسی همه جانبه آن از بایسته‌های پژوهشی می‌باشد.

۱-۱. ترجمه (تا حدودی) واژه به واژه

این ترجمه تقریباً به صورت زیرنویس کلمه به کلمه است؛ قید تقریباً بدان جهت است که در مواردی، از جمله در بافت الهیاتی (بالمعنی الأخص) که بن مایه مباحث کلامی (جدلی) طولانی دارند، برخی افزوده‌ها با رویکرد تفسیری در ترجمه رخ داده است. یک مثال:

پیدایش ۱:۲

ترجمه قدیم
«و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و زمین بود به صورت تحیرآمیز خالی و ظلمت روح خدا سطح آبها را فرو گرفت».
ترجمه انجمن کلیمیان
«روح خدا سطح آبها را فرو گرفت».
بود بر سطح لجه، و روحی از جانب* خدا در جا پرمی زد در بالای سطح آبها.

* در متن عبری، قید «از جانب» وجود ندارد؛ پر واضح است که این افزوده با انگیزه‌های کلامی می‌باشد؛ چه اینکه بخش فربهی از میراث ردیه - دفاعیه‌ها در ادیان ابراهیمی در اثر برجسته کردن ظواهر الفاظ و نادیده گرفتن زبان آرکائیک و استعاره‌ی متن، پدید آمده است.

۲-۱. دریچه‌ای به سبک و زبان تورات

زبان تورات نیز مانند هر زبان دیگر دارای اصطلاح‌ها و عبارات ترکیبی خاص خود است؛ در عبری کلاسیک این موضوع به گونه‌ای برجسته نمایان است. بر این پایه، ترجمه‌های

واژه به واژه تا حدودی می‌توانند دریچه‌ای به سبک و زبان متن مبدأ بگشایند، و مخاطب متن با توجه به تغییری که در جمله‌سازی‌ها شکل می‌گیرد، تا حدودی به اصل موضوع پی‌ببرد. در جدول ذیل، چند مثال ارائه می‌شود:

اصطلاح عبری	معادل فارسی	مثال
«آمدن مقابل روی خداوند/آمده در جلوی خداوند»	حاضر شدن در برابر خداوند	پیدایش ۶: ۱۳
«[اسحاق] می‌آمد از رفتنش به...»	اسحاق از راه ... می‌آمد	پیدایش ۲۴: ۶۲
«[یعقوب] پایش را بلند کرد و رفت»	رهسپار شد	پیدایش ۲۹: ۱
«در مقابل چشمان این آفتاب»	در روز روشن	دوم سموئیل ۱۲: ۱۱

۳-۱. برخی دقت نظرها

در اینجا به یک مثال اکتفا می‌شود:

پیدایش ۲۹: ۱۲

ترجمه قدیم

و یعقوب، راحیل را خبر داد که او برادر اطلاع داد یعقوب به راحل که خویشاوند* پدرش پدرش ... است.

ترجمه انجمن کلیمیان

* در ماجرای اولین ملاقات یعقوب و راحیل، یعقوب خود را «خویشاوند پدر راحیل» معرفی می‌کند. عبارت تورات چنین است *ahī 'ābihā* אֱחִי אִבְיָהָא 'تت. «برادر پدر او [راحیل]». واژه *ahī* در پیوند با *ā*خ در عربی است و به معنی «برادر» می‌باشد، اما با توسعه معنایی در زبانهای سامی فراوان به «فامیل، هم‌پیمان و...» نیز دلالت دارد.^۱ ترجمه آن به «برادر پدر»، همانطور که در ترجمه قدیم آمده، ناستوار می‌نماید، حتی موجب گمراهی خواننده نیز می‌شود. چه اینکه، ممکن است خواننده متن در وهله نخست از عبارت «برادر پدرش» چنین برداشت کند که، یعقوب عموی راحیل بوده است.

۱. نک. مدخل *ā*خ ← فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات، ج ۱، ص ۷۰-۷۱.

۴-۱. ضبط اعلام مطابق صورت تلفظ عبری آنها

در این ترجمه اعلام تورات مطابق تلفظ آنها در زبان عبری ضبط شده‌اند. می‌دانیم که عمده‌ی اسامی انبیاء و بستگان آنها خاستگاه عبری دارند، و در این ترجمه با صورت اصلی آنها مواجهیم. صورت‌های متداول آنها در عربی - فارسی به جهت انتقال از زبان (های) واسطه‌گاه در چندین واج تفاوت دارند؛ در جدول ذیل تفاوت برخی از اعلام معروف‌تر ملاحظه می‌شود:

شکل متداول در فارسی	تلفظ عبری	شکل متداول در فارسی	تلفظ عبری	شکل متداول در فارسی	تلفظ عبری
رفقه	ریوقا	کنعان	کِنَاعَن	قایل/قائن	قَیین
عیسو	عَساو	ابرام	اَوْرَام*	هابیل	هَوِل
یعقوب	یَعْقُوو	ابراهیم	اوراهام	خنوخ	خَنُوخ
موسی	مُشِه	هاجر	هاگار	شیث	شِث
هارون	اَهْرُون	اسماعیل	بیشماعیل	نوح	نَوْنَح
مریم	میريام	اسحاق	بیبصحاق	سام	شِم
لاوی	لوی	آیملک	اَویملیخ	یافت	یَفِث

۴۱۴

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

* بر اساس پیدایش ۱۷:۶ نام اورام (ابرام) به اوراهام «پدر امتها» (ابراهیم) تغییر می‌کند. اما اعلام غیر عبرانی، نه در تلفظ عبری بلکه مطابق شکل متداول فارسی ضبط شدند: مثلاً فرعون به جای «پَرْع (ه)» (پیدایش ۱۲:۱۵).

۵-۱. توجه به سنت

مطابق سنت دینی یهودیت، بر زبان آوردن نام خاص خداوند، یعنی یهوه ممنوع است. بر این پایه، هنگام تلاوت تورات، و به وقت رسیدن به این نام کلمه اَدْنای به معنای «آقای من» را بر زبان می‌آورند. همین‌طور برای اشاره به این نام از واژه هَشِم به معنای «آن نام» استفاده می‌کنند. در ترجمه مورد بحث، در سراسر اسفار خمسۀ در معادل‌گذاری این نام خاص از واژه هَشِم استفاده شده است.

۲. برخی ملاحظات

در این بخش، برای هر کدام از سه محور برخی اغلاط، افراط در ترجمه تحت اللفظی و ضعف تألیف در زبان مقصد چند مثال ارائه می‌شود:

۱-۲. برخی اغلاط

پیدایش ۹: ۲۷

این آیه بخش پایانی از نفرین‌ها و برکت‌های نوح در مورد سه فرزندش (سام، حام و یافث) می‌باشد؛ آیه قبلی، ۲۵ متضمن نفرین حام (کنعان) است؛ و شماره‌های ۲۶ و ۲۷ به ترتیب به برکت‌های سام و یافث اختصاص دارد:

ترجمه قدیم

(۲۶) و گفت: «متبارک باد یهوه خدای سام! و (۲۶) گفت متبارک باشد هشتم خدای شِم و کنعان، بنده او باشد.

ترجمه انجمن کلیمیان

(۲۷) خدا یافث را وسعت دهد، و در خیمه‌های سام* ساکن شود، و کنعان بنده او باشد. (۲۷) گسترش دهد خدا یَفِث را و تجلی دهد شخینا را در چادر شِم* و باشد کنعان غلام برای آنها.

۴۱۵

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

* نکته اینجاست که واژه سام و در شکل عبری آن $\text{שָׁם}/\text{šēm}$ در دو آیه فوق مشترک لفظی است؛ به عبارتی در ۲۶ اسم خاص (همان فرزند ارشد نوح) است، اما در ۲۷ که به برکت یافث اختصاص دارد، جزء یک ترکیب وصفی است: عبارت $\text{בְּחֵלְמֵי שָׁם}/\text{be'ohālēy šēm}$ به معنای «در خیمه‌های باشکوه» می‌باشد. توضیح آنکه، واژه شِم ($\text{שֵׁם}/\text{šēm}$) به معنای اولیه «اسم» دلالت دارد که جزء واژه‌های مشترک در همه زبان‌های سامی است. در عبری، این واژه حوزه معنایی گسترده‌ای دارد که در قاموس‌های فنی مورد بررسی قرار گرفته است. در رابطه با بحث ما، گزنیوس به برخی ترکیب‌های وصفی آن اشاره کرده که به تبیین عبارت مورد بحث ما کمک می‌کند؛ از جمله در ترکیب $\text{הַשֵּׁם הַשָּׁשֶׁם}/\text{anšey haššsēm}$ به معنای «مردان نامور، معروف» (پیدایش ۶: ۴؛ اعداد ۱۶: ۲)، در مقابل $\text{בְּנֵי בְלִי שָׁם}/\text{bēney beli šēm}$ «بی سر و پا، ابنای بی نام و نشان» (ایوب ۳۰: ۸).^۱

1. Gesenius, 832.

به تناسب این بحث، بد نیست که به موضوع زیاده روی در ترجمه تحت اللفظی، به عنوان یکی از ویژگی‌های ترجمه قدیم نیز اشاره کنیم؛ عبارتی که در انتهای کتاب صفنیای نبی تکرار شده، چنین است: «و آنان را محل تسبیح و اسم خواهم گردانید» (این عبارت با یک جابجایی در آیه ۲۰ همین باب نیز آمده است). ملاحظه می‌شود که در اینجا نیز، به جهت گرایش به ترجمه تحت اللفظی، واژه عبری *šēm/שמ* مطابق معنای پایه‌ای آن، «اسم» ترجمه شده، اما ترکیب «محل تسبیح و اسم» بودن در فارسی نامفهوم است. با توجه به بافت آیه (که اینجا وعده نصرت و یاری هست) پیشنهاد گزنیوس در اینجا چنین است: «I will make them praised and famous»^۱ ت. «من آنها را ستوده و مشهور خواهم کرد». به این ترتیب، ترکیب مورد بحث در اینجا نیز به معنی «مشهور بودن، نامور بودن» می‌باشد.

یک نکته دیگر در رابطه با آیه ۲۷؛ در جمله آغازین متن عبری، میان اسم یافت و فعل جمله به صورت یفت (*yaphṭ/יָפֵט*) جناس برقرار است. همانطور که در جدول ذیل ملاحظه می‌شود، میان سه ترجمه انتخابی، در ترجمه سیار بیشترین تلاش برای انعکاس این صنعت زبانی در متن مقصد دیده می‌شود:

ترجمه قدیم	ترجمه سیار	ترجمه انجمن کلیمان
خدا یافت را وسعت دهد ...	خدا یافت را فراخی بخشد ...	گسترش دهد خدا یفت را ...

برگردیم به اول بحث، بر اساس نکاتی که طرح شد، ترجمه پیشنهادی برای ۹: ۲۷ چنین عبارتی است: «خدا یافت را نعمتی وافر دهد، در خیمه‌های خنیده ساکن، و کنعان بنده او باشد.» واژه خنیده به معنی «پراوازه، مشهور» در شعر فارسی رایج است^۱ و انتخاب آن در اینجا به جهت انعکاس بهتر نثر شاعرانه^۲ در زبان مبدأ می‌باشد.

پیدایش ۲۷: ۳

ترجمه قدیم	ترجمه انجمن کلیمان
پس اکنون، سلاح خود یعنی ترکش و کمان خویش را گرفته، به صحرا برو، و نخجیری برای من بگیر.	اکنون تیز کن خواهشا اسبابت، شمشیرت و کمانت را ...

۱. «آوازه تو در هوای وحدت/ پیش از ازل و ابد خنیده» سنایی.

2. poetic prose.

فعل امر $sā'$ از ریشه $sā'$ به معنی «برگرفتن، حمل کردن» می‌باشد، و به مضامینی چون «بردار، برگیر» دلالت دارد؛ بر این پایه «تیز کردن» در ترجمه مذکور، استوار نیست.

۲-۲. افراط در ترجمه تحت اللفظی

پیدایش ۳۱: ۲۰

ترجمه انجمن کلیمیان

زُبود یعقوو قلب لاوان آرامی را ...

ترجمه قدیم

و یعقوب لابان آرامی را فریب داد ...

ریشه فعلی $gānab$ بر معنای «دزدیدن، ربودن» دلالت دارد،^۱ همانطور که در آیه قبل، در ماجرای راحل و ترفییم نیز همین فعل آمده است؛ اما با ترکیب $lēb$ «قلب»، در این آیه به معنای استعاری «اغفال کردن، فریب دادن» دلالت دارد،^۲ همانطور که در ادامه نیز (نک. آیه ۲۶) در همین ترکیب تکرار شده است. بر این پایه، ترجمه قدیم در اینجا استوارتر می‌باشد.

پیدایش ۱۹: ۱۱

ترجمه انجمن کلیمیان

اما آن اشخاصی را که به در خانه بودند، از خُرد و آن اشخاصی را که در جلوی درب خانه و بزرگ، به کوری مبتلا کردند،* که از جُستن بودند ضربت زدند* با کوری از کوچک و تا در، خویشتن را خسته ساختند. بزرگ و قادر نبودند که بیابند آن درب را.

ترجمه قدیم

* فعل $hikū$ از ریشه nkh به معنای پایه‌ای «ضربه زدن، کوبیدن» دلالت دارد (قس. نکى در عربی «نكى العدو نكایة: أصاب منه»)،^۳ اما با توسعه معنایی، از جمله در همین آیه در باب *Hiphil* به معنی «مبتلا کردن (در اینجا به کوری)» می‌باشد. و ملاحظه می‌شود که بی‌توجهی به مفهوم و بافت، کار را برای مخاطب دشوار کرده است.

۱. قس. جَنَب و «جَنَّبْتُ أی دفعته عنه مکروها» به معنی «دور کردن در عربی»، و در قرآن «وَ اجْتَنَّبِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم: ۳۵)، العین، ج ۶، ص ۱۴۷.
۲. حییم الف، ص ۶۶.
۳. ابن سیده، المحکم والمحیط الأعظم، ۱۱۲/۷.

۲-۳. ضعف تألیف در زبان مقصد

پیدایش ۳۱:۱۹

ترجمه قدیم

و دختر بزرگ به کوچک گفت: پدر ما پیر شده است و مردی بر روی زمین نیست که برحسب عادت کل جهان، به ما در آید. گفت آن دختر بزرگتر به کوچکتر: پدر ما پیر است و مردی نیست در زمین که ازدواج کند** با ما مثل طریق* تمام زمین.

ترجمه انجمن کلیمیان

نگارنده این سطور توجه دارد که این اثر، ترجمه‌ای کاملاً واژه به واژه است، و طبیعتاً نمی‌توان انتظار جمله‌بندی کاملی در بخش ترجمه داشت، اما دو نکته‌ای که در رابطه با این آیه بیان می‌شود، فارغ از این موضوع است. به عبارتی، در ترجمه واژه به واژه نیز می‌شود این نکات را رعایت کرد. از سوی دیگر، در پرتو مقایسه آن با ترجمه قدیم، قدرت، استواری و دقت نظر در ترجمه قدیم نیز نمایان می‌شود، و نشان می‌دهد که این ترجمه همچنان منبع مورد توجهی می‌باشد.

* واژه *derek* / ډرک به معنای اولیه «راه، طریق، مسیر» است، اما با توسعه معنایی به «رسم و رسوم، عادت، شیوه» نیز دلالت دارد.

** ریشه فعلی *bo* / بو از افعال پرکاربرد در تورات است و به معنای پایه‌ای «آمدن، وارد شدن» می‌باشد، اما که با توسعه معنایی به «آمیزش کردن» نیز دلالت دارد (از جمله در تثنیه ۲۵:۵). بر این پایه، ترجمه آن به «ازدواج کردن» در ترجمه انجمن کلیمیان نیز کاملاً استوار است، اما در ترجمه قدیم انتخاب هوشمندانه معادل «درآمدن» در عین انتقال دقیق معنی، سبک و زبان متن مبدأ را نیز حفظ کرده است.

تثنیه ۲۸:۵۹

ترجمه قدیم

آنگاه خداوند بلایای تو و بلایای اولاد تو را عجیب خواهد ساخت، یعنی بلایای عظیم و تو و ضربت‌های نسل تو را، ضربت‌های بزرگ و مزمن و مرض‌های سخت و مزمن. امین** و مرض‌های بد و امین**.

ترجمه انجمن کلیمیان

* واژه *makkā(h)* / مکّه به معانی مختلفی چون «بلا، ضربت، زخم و...»^۱ دلالت دارد، اما

۱. حییم الف، ص ۲۵۹.

در ترجمه قدیم با ملاحظه بافت و ترجمه آن به «بلايا» رساتر می‌باشد. هرچند این مورد قابل مسامحه است، اما مورد بعدی خیلی ناامیدکننده به نظر می‌رسد.

** ریشه āman/آمان هرچند به معنای اولیه «معتمد و امین بودن» دلالت دارد، اما در اینجا (باب *Niphal*) به معنی «پایدار» و با توجه به بافت (بیماری) بهتر است به «مزمّن» ترجمه شود! و ترجمه آن به «امین» چه وجهی دارد؟

سخن پایانی

ضمن توجه به همه امتیازهای این اثر، امیدوارم اگر تصمیمی مبنی بر تجدید چاپ یا بازنویسی آن وجود دارد، حتماً از پژوهشگران صاحب نظر در زبان فارسی نیز دعوت به همکاری شود، تا نثری روان و فاخرتر به مخاطب ارائه گردد. در مقاله قبلی، یعنی شماره ۴ آینه‌های شکسته، به تناسب بحثی برخی از توصیه‌های نایدا یوجین در ترجمه متون مقدس را برشمردیم، از جمله مهم‌ترین آنها این سخن او بود که می‌گوید: «بیشترین و جدی‌ترین اشتباهات مترجمان عمدتاً ناشی از عدم دانش لازم به زبان مقصد است».^۱

۴۱۹

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Nida, Eugene A., *Toward a Science of Translating*, p. 150.